



بررسی شاخص‌های ادب غنایی در اشعار آیینی ملک الشعرا بهار

شب‌نم کریم شاهی ملایری^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

رضا صادقی شهپر (نویسنده مسئول)^۲

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

حجت اله غ منیری

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱/۲۱

چکیده

شعر آیینی به دلیل غلبه احساسات شاعر، یکی از مهم‌ترین گونه‌های ادب غنایی است و بالتبع اکثر شاخص‌های صوری و محتوایی ادبیات غنایی در زیربنای آن به‌کار رفته‌است. این پژوهش، با هدف بررسی و تبیین بازتاب شاخص‌های ادب غنایی در اشعار آیینی ادبیات مشروطه فارسی - مطالعه موردی اشعار آیینی ملک الشعرا بهار - انجام شده‌است. ملک الشعرا بهار از شاعران برجسته دوره مشروطه و ملک الشعرا آستان قدس رضوی در سرایش اشعار آیینی به‌ویژه در رثای پیامبر و امامان معصوم ید طولایی داشت. او حقیقت سیمای معصومین علیه‌السلام را با تخیلی سرشار از عاطفه و احساس سروده و آنان را در آئینه شعرش در قالب زبانی غنایی توصیف کرده‌است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده و در پی پاسخ به چندی و چونی شاخص‌های ادب غنایی در اشعار آیینی ملک الشعرا بهار است تا بسامد و برجستگی آن‌ها را نشان دهد. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد، شاخص‌های محتوایی چون وصف،

^۱ shabnam.karimshahi@gmail.com.

^۲ r.s.shahpar@gmail.com

دید منفی نسبت به روزگار، اشاره به اعیاد مذهبی و ولادت معصومین و ... در شعر بهار برخاسته از عاطفه شاعر (غم و شادی) است که در ساختارهای بلاغی (شاخص‌های صوری)، تشبیه، استعاره و نیز زبانی غنایی با واج‌آرایی و موسیقی غنایی نمود یافته است.

کلیدواژه‌ها: ادب غنایی، شاخص‌های صوری و محتوایی، شعر آیینی، بهار.

۱. مقدمه

ادب غنایی، یکی از گونه‌های مهم حوزه ادبیات است که با بیانی نرم و لطیف، جلوه‌های گوناگونی در متون نظم و نثر فارسی داشته و احساسات و عواطف شخصی شاعر را بازتاب داده است. این گونه ادبی، به جز ادب حماسی و تعلیمی، شامل اکثر موضوعات و مضامین ادبی است، به گونه‌ای که می‌توان گفت، علاوه بر «گفتگوی عاشقانه، بیان حالات گوناگون عشق و جوانی تا پیری، آرزومندی، شرح ایام هجران و وصل، حسب حال سرایی، معانی دیگری از جمله وصف شراب، اغتنام فرصت، توصیف مناظر زیبای طبیعت، بهار، پاییز، شب، صبح، مرگ، غم‌ها و شادی‌های ناشی از حوادث روزگار، علائق انسان نسبت به خدا و خلق، شعرهای دینی و مذهبی، اشعار انتقادی و طنزآمیز، وطن‌پرستی، مدح، مرثیه، تهنیت، هجو، حکمت، عرفان، شطحیات، سوگندنامه‌ها، شکایت‌ها، ساقی‌نامه‌ها، خم‌ریات، حبسیات، اخوانیات و ... است. در ادبیات فارسی مفاهیم مزبور اغلب با یکدیگر به هم آمیخته‌اند و در بیشتر قالب‌های شعری مجموعه‌ای از این مفاهیم وجود دارد.» (مشتاق مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۸۶ و ۱۸۷) بنابراین، اشعار دینی و مذهبی، مدح‌ها و مرثیه‌های مذهبی و ... که تحت عنوان «شعر آیینی» می‌آید نیز ادبیات غنایی محسوب می‌شوند.

شعر آیینی عنوانی است که در دهه‌های اخیر بر زبان شاعران و پژوهشگران جاری شده؛ همان شعر فراخ‌بال دینی است که بسیاری از موضوعات و مفاهیم دینی، محور سرایش آن است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۸). شاخصه اصلی این گونه اشعار غلبه عواطف و احساسات بدیع و لطیف شاعر، نسبت به مضامین و موضوعات مذهبی است که آنها را تبدیل به یکی از برجسته‌ترین گونه‌های ادب غنایی می‌کند؛ بنابراین، اشعار آیینی نیز باید دارای شاخص‌های محتوایی و صوری ادب غنایی باشند که مهمترین آنها عبارتند از «شاخص‌های محتوایی: احساسی و عاطفی بودن؛ عاشقانه و عارفانه بودن؛ دید منفی نسبت به روزگار داشتن؛ فضای غم‌آلود داشتن؛ وصفی بودن؛ توجه کردن به ناتوانی و خصوصیات اخلاقی انسان؛ درون‌گرایی و ... ؛ شاخص‌های صوری: لطافت و نرمی زبان و بیان؛ تراحم صور خیال؛ به‌کارگیری کلمات، عناصر، ترکیبات، تعبیرات و تصاویر نرم و متناسب با فضای غنایی؛ غنای موسیقایی؛ استعارات، تشبیهات و کنایات نرم و لطیف غنایی؛ بالاتر بودن بسامد مصوت‌ها، عناصر انتزاعی، گروه‌های اسمی، جملات سؤالی بدون

درخواست جواب و ...» (مشتاق مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۸۴)؛ بنابراین، بررسی و تحلیل این شاخص‌ها در اشعار آیینی، ضمن اثبات غنایی بودن آنها، جایگاه و ارزش ادبی این اشعار را با توجه به برجستگی و بسامد شاخص‌های غنایی، برای مخاطب و پژوهشگر، مشخص می‌کند.

۱- ۱. مسأله پژوهش

محمدتقی ملک‌الشعرا بهار (ولادت ۱۲۶۵ ق، وفات ۱۳۳۰ ق)، یکی از بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین شاعران ادبیات مشروطه بود که توانست حال و هوای تازه‌ای به اندام شعر کلاسیک فارسی وارد کند. هرچند این تحولات نیز نتوانست شعر فارسی را از تباهی برهاند و ساختار کلی آن را دگرگون کند (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۲: ۲۱-۲۲). با اینکه بهار از خراسان برخاسته بود، اما با امضای فرمان مشروطه به تهران نقل مکان کرد تا در راه پاسداری از دستاوردهای مشروطه تلاش کند. او با تجربه‌ای که در ایام جوانی از سیاست و محافل آزادی‌خواهان به‌دست آورده بود، اقدام به انتشار اندیشه‌ها و اشعار آزادی‌خواهانه خود در روزنامه‌ها کرد (یاحقی، ۱۳۸۸: ۱۶۳). بهار نسبت به مسائل اجتماعی روزگار خود هوشیار بود و می‌دانست که در هر موقعیت، باید به وظیفه شاعری و هنرمندی خود عمل کند. او رهبر زندگی بود و ملت خود را به جلو سوق می‌داد (ظفری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۱۱). او در قالب‌های گوناگون شعر فارسی طبع‌آزمایی کرده‌است؛ اما به‌خاطر حجم بالای قصایدش می‌توان او را یکی از آخرین قصیده‌سرایان شعر فارسی دانست. بهار به‌خاطر مقام ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی اشعار بسیاری در منقبت و ستایش معصومین به‌ویژه پیامبر، امام رضا علیه‌السلام و امام علی علیه‌السلام دارد.

گستره این پژوهش، اشعار آیینی منتشره از ملک‌الشعرا بهار در کتاب «دیوان اشعار» از انتشارات نگاه است. اهمیت این پژوهش، تأییدی بر سروده‌های غنایی آیینی ملک‌الشعرا بهار و تبیین جایگاه و ارزش ادبی آن‌ها برای مخاطبین این گونه آثار است.

پرسش اصلی پژوهش: بسامد و بازتاب شاخص‌های محتوایی و صوری ادب غنایی در اشعار آیینی ملک‌الشعرا بهار چگونه است؟

این پژوهش برجسته‌ترین شاخص‌های ادب غنایی را در شعر آیینی ملک‌الشعرا بهار با رویکردی توصیفی-تحلیلی با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای بررسی و تحلیل کرده‌است و نتایج کلی پژوهش نشان می‌دهد که اشعار آیینی ملک‌الشعرا بهار هم در شاخص‌های محتوایی و هم در شاخص‌های صوری غنی هستند و اکثر این شاخص‌ها به‌ویژه تشبیه، استعاره، وصف، دیدگاه منفی نسبت به روزگار و ... بسامد و برجستگی بالایی دارند.

۱-۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

شعر آیینی در چند سده اخیر از قرائت‌های محدود گذشته که بیشتر مدحی و ماتمی بود، فاصله گرفته و به سوی چشم‌اندازهای سیاسی و اجتماعی دست یازیده‌است و در این راه، با فراز و فرودهایی از سبک و سیاق بیان، درون‌مایه و محتوا مواجه شده که چندان بررسی و کاوش نشده‌است. بنابراین، این پژوهش می‌تواند دستاوردهای جدیدی برای بسیاری از اهل فرهنگ و ادب پژوهان آشکار سازد و در فراهم ساختن زمینه خلق و نشر کمی و کیفی بهتر سروده‌های آیینی صاحبان ذوق و اندیشه نقش داشته‌باشد؛ به‌ویژه در معرفی شعر آیینی بهار که مقام ملک‌الشعرا آستان قدس رضوی را داشت و از بزرگان ادبیات مشروطه بود.

۱-۳. پیشینه پژوهش

در حوزه شعر آیینی، اندیشه، زندگی و شعر ملک‌الشعرا به‌ویژه تفکرات سیاسی و اجتماعی او پژوهش‌های ارزنده‌ای انجام شده‌است که به برخی از مهمترین و نزدیک‌ترین این پژوهش‌های به پژوهش حاضر اشاره‌وار پرداخته شده‌است. از جمله: طاهری ماه‌زمینی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی مضامین اشعار در شعر بعد از انقلاب اسلامی»، مضامین انتظار را در اشعار بعد از انقلاب اسلامی بررسی کردند و نشان دادند که این شاعران در شعر خود، علاوه بر موضوعات و مضامین پیرامون انتظار، به مسائلی چون بی‌عدالتی، ظلم و ستم مستکبران، وضعیت زندگی مستضعفان و ... نیز پرداختند؛ رفیعی و رمضان‌ی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «اندیشه دینی در اشعار ملک‌الشعرا بهار و احمد صافی النجفی»، اندیشه‌های دینی بهار و احمد صافی النجفی را بررسی کردند و نشان دادند که هر دو شاعر باورهای دینی خود را در لابه‌لای اشعارشان استفاده کردند؛ محسنی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی آیات و احادیث در شعر بهار»، بازتاب آیات و احادیث در دیوان بهار را از منظر زیبایی‌شناختی بررسی کرده و نشان داده که شاعر بیشتر از آیات و احادیث به صورت تلمیح و اقتباس و در حالت تشبیه بهره برده‌است؛ قلعه‌قبادی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی و مقایسهٔ مرثیهٔ سه نسل از شاعران معاصر»، مرثیه‌های سه نسل از شاعران معاصر را بررسی کردند و نشان دادند که این مرثیه‌ها را می‌توان به گونه‌هایی چون مرثیه شخصی، دینی، اجتماعی، انقلابی و ... تقسیم کرد؛ اکبری و زرقانی (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «جایگاه و نقش دین در اندیشه شعری ملک‌الشعرا بهار»، با بررسی نقش و جایگاه دین در اشعار بهار نشان دادند که بهار ضمن انتقاد از برخی از خرافات و باورهای دینداران، پایه و اساس نظریات خود دربارهٔ حکومت، اجتماع و زندگی را از متون دینی گرفته‌است. با وجود این پژوهش‌ها و تحقیقات ارزنده، هیچ پژوهشی با موضوع شاخص‌های ادب غنایی در اشعار آیینی بهار انجام نشده‌است؛ بنابراین در این پژوهش حاضر، برجسته‌ترین شاخص‌های ادب غنایی در اشعار آیینی بهار بررسی و تحلیل شده‌است.

۲. بحث اصلی

ملک‌الشعرا بهار از معدود شاعران ادبیات مشروطه است که به دلیل مقام ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی، آثار ارزشمندی در حوزه ادب آیینی سروده است، چنانکه در ستایش خداوند، مدح و ستایش پیامبر و امامان معصوم به‌ویژه، امام علی علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام و ... شعر گفته است. این اشعار سرشار از عواطف و احساسات شاعر نسبت به اتفاقات شاد و غمگین زندگی معصومین علیهم‌السلام است؛ بنابراین، به دلیل غلبه احساس و عاطفه، این اشعار زیرمجموعه ادبیات غنایی و دارای اکثر شاخص‌های محتوایی و صوری ادب غنایی هستند و در پژوهش حاضر، ابتدا مقدماتی درباره ادب غنایی، شعر آیینی، پیشینه پژوهش، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش نقل شده است، سپس چارچوب نظری آمده و در بحث اصلی پژوهش، شاخص‌های محتوایی و شاخص‌های صوری ادب غنایی در اشعار آیینی ملک‌الشعرا بهار با ذکر نمونه‌های از متن اشعار، بررسی و تحلیل شده و در پایان نتیجه نهایی پژوهش درج شده است.

۲-۱. چارچوب نظری پژوهش

ادبیات غنایی - در کنار ادبیات تعلیمی، حماسی و نمایشی - یکی از گونه‌های مهم ادبی جهان است که از گذشته برای آن تعاریف و محدودیت‌هایی آورده‌اند، از جمله «شعر غنایی سخن گفتن از احساس شخصی است، بشرط اینکه از دو کلمه "احساس" و "شخصی" وسیع‌ترین مفاهیم آنها را در نظر بگیریم؛ یعنی تمام انواع احساسات: از نرم‌ترین احساسات تا درشت‌ترین آنها با همه واقعیاتی که وجود دارد. احساس شخصی بدان معنی که؛ خواه از روح شاعر مایه گرفته باشد و خواه از احساس او، به اعتبار اینکه شاعر فردی است از اجتماع، روح او نیز در برابر بسیاری از مسائل با تمام جامعه اشتراک موضع دارد.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۱۲) این گونه ادبی، در یونان باستان به اشعاری کوتاه گفته می‌شد که با همراهی سازی به نام «لیر» خوانده می‌شد و از این رو در زبان‌های فرنگی به آن اشعار غنایی، لیریک (lyric) می‌گویند... (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۱۹) از طرف دیگر، باید توجه داشت که غنا در لغت به معنی سرود، نغمه و آواز خوش طرب‌انگیز است و شعر غنایی به شعری گفته می‌شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر باشد و دربرگیرنده عشق و دوستی و رنج‌ها و نامرادی‌ها و هرچه روح آدمی را متأثر می‌کند. (رزمجو، ۱۳۷۰: ۸۳)

در شعر فارسی، وسیع‌ترین افق معنوی، افق شعرهای غنایی است. مطالعه در تطور انواع غنایی در ادب فارسی، گسترده‌ترین زمینه بحث است. موضوعی که در ادب فارسی حوزه شعر غنایی را تشکیل می‌دهد، تقریباً تمام موضوعات رایج است، به جز شعر حماسه و شعر تعلیمی. حتی داستان‌های منظوم ادب پارسی، همه در مقوله شعر غنایی قرار می‌گیرند؛ و در یک نگاه اجمالی: شعرهای عاشقانه، فلسفی، عرفانی، مذهبی،

هجو، مدح و وصف طبیعت همگی مصادیق شعر غنایی هستند. نکته قابل ملاحظه اینکه در ادبیات فارسی این مفاهیم اغلب با یکدیگر بهم آمیخته‌اند و یک قطعه شعر یا یک قصیده ترکیبی است از مجموعه این مفاهیم. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۱۳) اشعار آیینی که سرشار از لطافت و احساس شاعرانند، نمونه خوبی از شعر غنایی در ادبیات فارسی است.

شعر آیینی یا شعر مذهبی «به‌گونه‌ای از ادبیات متعهدانه گفته می‌شود که از جهت معنوی و محتوایی صبغه دینی دارد و از آموزه‌های وحیانی، فرهنگ عترت و ولایت و تاریخ اسلام سرچشمه می‌گیرد.» (اکرمی و خاکپور، ۱۳۹۰: ۳۸) و در آیین‌ها و محافل دینی مانند ولادت‌ها، شهادت‌ها، وفیات و روزها و مناسبت‌های برجسته مذهبی مانند غدیر، بعثت، عرفه و در توصیفی دقیق‌تر در مجالس سوگ و سور مذهبی به‌کار می‌رود. (سنگری، ۱۳۹۵: ۱۶) این گونه اشعار از دیرباز در ادبیات فارسی وجود داشته و چه بسا می‌توان ریشه‌های آن را در سروده‌های مذهبی قبل از اسلام نیز دید. ادبیات آیینی در دوره مشروطه و معاصر، با اقبال بیشتری از سوی شاعران رو به‌رو شده‌است. یکی از این شاعران ملک‌الشعرا بهار بود که حجم قابل ملاحظه‌ای شعر آیینی سروده‌است.

ملک‌الشعرا بهار با وفات پدرش، خیلی زود و در عنفوان جوانی به مقام ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی رسید، مقامی که منتقدان و رقبای بسیاری داشت؛ بنابراین، شاعر برای اثبات قدرت شاعری خود، به مناسبت‌های گوناگون مذهبی اشعار آیینی ارزشمندی سروده‌است. او در مدح و ستایش پیامبر و امامان معصوم، مرثیه درباره مصائب آنان، ظهور امام زمان (ع) و ... شعر گفته‌است. این اشعار سرشار از عواطف و احساسات شاعر نسبت به اتفاقات شاد و غمگین زندگی معصومین است؛ بنابراین، به دلیل غلبه احساس و عاطفه، این اشعار زیرمجموعه ادبیات غنایی محسوب می‌شوند و پژوهش حاضر، شاخص‌های صوری و محتوایی ادب غنایی را در آنها بررسی و با ذکر نمونه‌هایی از اشعار بهار تحلیل کرده‌است که در ادامه مهم‌ترین این شاخص‌ها در دو بخش، شاخص‌های محتوایی و شاخص‌های صوری نقل شده‌است.

۲-۲. تحلیل شاخص‌های محتوایی ادب غنایی در اشعار آیینی ملک‌الشعرا بهار

محتوای اشعار غنایی در ادبیات فارسی با اروپا تفاوت چندانی ندارند و همان‌گونه که در اروپا اشعاری با محتوای «مرثیه یا سوگ‌نامه، عروسی‌نامه، ترانه، چکامه، چهارپاره پیوسته» (حسینی کازرونی، ۱۳۹۰: ۲۲) جزء ادب غنایی محسوب می‌شوند، در ادبیات فارسی نیز اشعاری با محتوای «مدح، هجو، عرفان، فخرنامه، سوگندنامه، شکایت، نگرانی، خمیره، حبسیه، اخوانیات، اشعار سرگرم‌کننده و تفتنی، مناظره، مفاخره، وصف طبیعت، وصف شهرها، وصف اطلال و دمن، وصف اسب و شتر و ...» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۶۶) غنایی هستند. اشعار آیینی بهار، علاوه بر مضامین اصلی که ستایش خداوند و مدح و رثای معصومین است؛

محتوای غنایی دیگری را نیز در بردارند که برخی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین آنها عبارتند از اشاره با جشن‌ها و تولدهای مذهبی، دید منفی نسبت به روزگار، وصفی بودن، مناجات و ...

۲-۲-۱. مناجات (راز و نیاز با خداوند)

حمد و ستایش خداوند و ابراز بندگی، آغازبخش اکثر متون ادبی فارسی است. این اشعار «با حمد و ستایش الهی آغاز می‌گردند و پس از آن نیاز بندگان و در پایان خواهش‌های روحانی و عرفانی مطرح می‌شود» (رشیدی گمین و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۹). بهار در آغاز مثنوی «کارنامه زندان» که شرح مختصری از زندگی اوست، به مناجات و وصف عظمت ذات خداوند و ناتوانی خود در شناخت او پرداخته و با نهایت فروتنی و خضوع ابراز بندگی کرده است. نمونه‌هایی از این شعر:

| | |
|-----------------------------|---------------------------------|
| ای نبرده کسی به کنیه تو راه | تاری و دیو و اورمزد و الهه |
| ای خدایی که در تو حیرانم | کیستی؟ چیستی؟ نمی‌دانم |
| کرده‌ام من به هستی‌ات اقرار | گفته‌ام در تو بهترین اشعار |
| همچنین گاه از ته دل | کرده‌ام یادت ای شه عادل |
| لیکن از نقص خویش عاجزوار | در نیآورده‌ام سر از این کار ... |
| در تو و هستی تو حیرانم | این بدانسته‌ام که نادانم |
| آن قدر دیدم و شنیدم تا | گوش کر گشت و چشم نابینا |
| کسب کردم به معرفت قدری | که رسیدم به قرب لادری |

(بهار، ۱۳۸۷: ۶۶۱ و ۶۶۲)

۲-۲-۲. مرثیه‌سرایی

مرثیه و مرثیه‌سرایی یکی دیگر از مضامین مهم در ادبیات غنایی است. «مرثیه شعری است که درباره‌ی آلام و مصائب فردی یا جمعی سروده می‌شود. رثا ریشه در غم و اندوه دارد و به اشعاری اطلاق می‌شود که در ماتم گذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران و اظهار تأسف بر مرگ پادشاهان و سدور و اعیان و سران قوم و ذکر مصائب پیشوایان دین و ائمه اطهار، مخصوصاً حضرت سیدالشهدا و شمردن مناقب و فضایل و مکارم و تجلیل مقام و منزلت شخص متوفی و دعوت ماتم‌زدگان به صبر و سکون و معانی دیگری از این قبیل سروده شده است» (مؤتمن، ۱۳۹۴: ۲۷). بهار در موقعیت‌های مختلف برای مصائب معصومین مرثیه سروده است؛ او در حادثه به توپ بستن مسجد گوهرشاد و بارگاه امام رضا علیه السلام، مرثیه‌سرایی کرده و اشعاری سرشار از احساس و عاطفه توأم با غم و اندوه برجای گذاشته است؛ اینک نمونه‌هایی از این شعر:

که نمودست رضا کسوت خونین در بر
زانکه زهرا را نیلی است به سر بر چادر
شد ز قزاق عدو کاخ رضا ویران‌تر
خانهٔ دین نبی بود که شد زیر و زبر
بلکه بر قلب علی خورد و دل پیغمبر
کاین خرابی همه از ماست در انجام نظر
(بهار، ۱۳۸۷: ۱۸۷)

ای مسلمانان زین واقعه خون گریه کنید
ای زنان چادر نیلی به سر اندر بکشید
از وهابی شد اگر کاخ حسینی ویران
نه همانا نبی این کاخ همان کاخ رضا
نه به گنبد خورد این آشوب توپ بیداد
ما اگر خانه خرابیم ز کس مان گله نیست

۲-۲-۳. جشن‌های مذهبی

بزرگداشت و یادآوری رویدادهای مختلف چون تولد پیشوایان، اعیاد و روزهای خاص دیگر در همهٔ مذاهب و دین‌ها جشن گرفته می‌شود (روح‌الامینی، ۱۳۷۸: ۱۵). تولد و اعیاد مذهبی یکی از مضامین پرکاربرد اشعار آیینی بهار است؛ به گونه‌ای که او در وصف ولادت پیامبر اسلام، حضرت علی علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام و به‌ویژه امام رضا علیه‌السلام شعر سروده است و عید غدیر خم یکی از مناسبت‌های مورد علاقهٔ او بوده است. شاعر در توصیف مناسبت‌ها از تعابیر و صنایع بلاغی غنایی و لطیف بهره برده است. نمونه‌هایی از بازتاب اعیاد مذهبی و تولد معصومین در شعر بهار:

وصف ولادت حضرت رسول اکرم صلوات الله علیها:

کز برج دین بتافت یکی روشن آفتاب...
جشنی دگر به درگه فرزند بوتراب
(بهار، ۱۳۸۷: ۳۰ و ۳۱)

ای آفتاب گردون تاری شو و متاب
جشنی بود ز مقدم او در نه آسمان

وصف تولد امام حسین علیه‌السلام در مسمطی با نام «حسین (ع)» با فضایی شاد و غنایی:

دل و جان بدسگال ز محنت به لب رسید
زهی عید دلفروز، زهی جشن ارجمند
(همان: ۱۵۹)

عجم وار باده ده که عید عرب رسید
از این عید و جشن شد دل خسته شادمند

اشاره به جشن تولد امام رضا علیه‌السلام با فضایی غنایی و شاد:

این مهین جشن را بپایینم
پای خود بر سر سها بینم
بر کنار از غم و بلا بینم

تا که افلاک را بقایینم
چون در استم پی ثنای امام
میهمانان و میزبانان را

شادمان بنگرم دل احباب

به علی و آله الانجباب

(همان: ۲۲۳)

جشن غدیر خم از اعیاد مورد علاقه بهار است، به گونه‌ای که در اشعار مختلف آن را وصف کرده‌است. او در شعری که در ستایش حضرت علی علیه‌السلام سروده، به جشن غدیر خم و ولایت حضرت علی علیه‌السلام بر مسلمانان را توصیف کرده‌است:

تارساند بر خلائق مصطفی امر خدا
گرد آیند از قبایل اندر آن دشت و نبی
گوید آن کاو را منم مولا، علی مولای اوست
جشن فیروز ویست امروز کز کاخ امام
از جهاز اشتران از بهر خود منبر کند
خطبه بر منب پی امر خلافت سر کند
زینهار از طاعت او گر کسی سر در کند
بانگ کوس و تهنیت گوش فلک را کر کند

(همان: ۴۰)

بهار در شعر دیگر نیز، عید غدیر خم و انتخاب امام علی علیه‌السلام به ولایت مسلمانان را وصف کرده‌است:

در غدیر خم یزدان گفت مر پیمبر را
پس پیمبر اندر دشت بر نهاد منبر را
گفت بشنوید ای قوم قول حق تعالی را
پوزش آورید از جان این ستوده مولی را
کز پی کمال دین شو پذیره حیدر را
برد بر سر منبر حیدر فلک فر را...
هم به جان بیاویزید گوهر تولا را
این وصی بر حق را این ولی والا را

(همان: ۱۰۸)

۲-۲-۴. دید منفی نسبت به روزگار

جهان، طبیعت و روزگار در آثار غنایی ادبیات فارسی، معمولاً جایگاه منفی دارند، به طوری که دنیا با صفاتی چون بی‌وفایی، ناپایداری، پلیدی و غم‌آلود بودن توصیف شده‌است (پارساپور، ۱۳۸۳: ۱۹). بهار نیز در اشعار خود، بارها از بی‌اعتمادی نسبت به روزگار و کینه‌توزی فلک و آسمان نسبت به انسان‌ها به‌ویژه آل علی علیه‌السلام سخن گفته‌است، به گونه‌ای که از مؤلفه‌های پربسامد ادب غنایی در شعر آیینی بهار است. اینک نمونه‌هایی از این شاخصه:

بهار در بیت زیر، آوارگی آل علی علیه‌السلام و مصائب آنها د کربلا را به فلک و روزگار نسبت داده و از بی‌اعتمادی نسبت به آن سخن گفته‌است:

ای فلک آل‌علی را از وطن آواره کردی
زان سپس در کربلاشان بردی و بیچاره کردی

(بهار، ۱۳۸۷: ۱۲۹)

شاعر بار دیگر در ابیات زیر از بی‌اعتمادی نسبت به آسمان و تأثیر آن در زندگی بشر، به‌ویژه جوری و ستم که در حق فرزندان پیامبر (ص) کرده، سخن گفته‌است:

جبههٔ فرزند زهرا را ز سنگ کین شکستی
تو مگر ای آسمان! دل را ز سنگ خاره کردی
جورها کردی از اول در حق پاکان ولیکن
در حق آل پیامبر جور را یکباره کردی
(همان: ۱۳۰)

بهار در شعری که در رثای شهدای کربلا سروده از کین آسمان نسبت به آل علی علیه‌السلام سخن گفته و مصائب کربلا را به آسمان و روزگار نسبت داده‌است:

آسمان جز به کین آل پیغمبر نگشتی
تا نکشتی آل زهرا را از این ره برنگشتی...
چون حسین بن علی با لشکر کین شد مقابل
از چه پشتیبان آن سلطان بی‌لشکر نگشتی
چون دچار موج غم شد کشتی آل محمد
از چه روای زورق بیداد! بی‌لنگر نگشتی
(همان: ۱۳۰)

شاعر بار دیگر در ابیات زیر از کینه‌توزی و ستم فلک در حق آل علی علیه‌السلام هنگام مباران بارگاه امام رضا علیه‌السلام گلایه و شکایت کرده‌است:

فلک آن مایه ستم کرد که در نیرو داشت
ای دریغ! از جفای فلک استمگر
ای عجب! با پسران نبی و آل علی
آسمان کینهٔ دیرین را بگرفت از سر
(همان: ۱۸۶)

شاعر در شعری که در منقبت امام صادق علیه‌السلام سروده از روزگار و جفاکاری او نسبت به این امام شکوه و شکایت کرده‌است:

خون به دلت کرد روزگار جفاکیش
تا تن پاکت به قبر گشت ملاصق
(همان: ۴۸۱)

۲-۲-۵. رویکرد توصیفی شعر آیینی بهار

طبیعت و توصیف آن یکی از مضامین اصلی در شعر غنایی است، به‌گونه‌ای که می‌توان شعر غنایی را شعر توصیفی خواند (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۳۹). این مؤلفه یکی از شاخص‌های مهم در اشعار آیینی ملک‌الشعرا بهار است، به‌گونه‌ای که ما در این اشعار با دو گونه وصف روبه‌رو هستیم؛ گونهٔ اول که بسامد بسیار بالایی دارد، وصف طبیعت و معشوق در تغزل قصاید آیینی بهار است و گونهٔ دوم که بسامد کمتری دارد، وصف شخصیت و ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی معصومین است که در ادامه برای روشن شدن موضوع نمونه‌های نقل

شده‌است. برای نمونه، بهار در ابیات زیر که در تغزل مدح حضرت علی علیه‌السلام آورده، با استفاده از صنایع بلاغی لطیف و غنایی چون تشبیه صدای بلبل به مزهر، صدای قمری به بریط، گل لاله با ساغر، باغ و بزم به کشمیر، گل به عروس و آفتاب و استعاره تشخیص در آمدن بهار، نوروز، گل خوی کرده و ... طبیعت و بهار را وصف کرده‌است:

| | |
|------------------------------|-----------------------------|
| قمری به کام کرده یکی بریط | بلبل به نای برده یکی مزهر |
| نسرین به سر بیسته ز نو دستار | لاله به کف نهاده ز نو ساغر |
| نوروز فر خجسته فراز آمد | در موکبش بهار خوش دلبر |
| آن یک طراز مجلس و کاخ و بزم | این یک طراز گلشن و دشت و در |
| آن بزم را طرازد چون کشمیر | این باغ را بسازد چون کشمیر |
| هر بامداد باد برآید نرم | وز روی گل به لطف کشد معجر |
| خوی کرده گل، ز شرم همی خندد | چون خو برو عروس بر شوهر |
| بر خاربن بخندد سیصد گل | چون آفتاب سرزند از خاور |
| مانند کودکان که فرو خندند | آنگه کشان پذیره شود مادر |

(بهار، ۱۳۸۷: ۶۰)

شاعر در ابیات زیر که در ابتدای شعر ستایش امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرج‌الشریف آورده، با بهره‌گیری از صنایع بلاغی لطیف و غنایی چون تشبیه روی و موی به لاله و سوسن، لب به لعل، بوی زلف به بوی لادن، دل به آهن و استعاره‌های نرگس ز چشم، سوسن از موی، لاله از رخسار و ... معشوق را وصف کرده‌است:

| | |
|---------------------------------|--------------------------------|
| ای به‌روی و به‌موی، لاله و سوسن | سبزه داری نهفته در خز ادکن |
| سوسن تو شکسته بر سر لاله | لاله تو شکفته در بن سوسن |
| لب لعلت گرفته رنگ ز مرجان | سر زلفت ربوده بوی ز لادن |
| آفت جانانی از دو غمزه دل‌دوز | فتنه شهری از دو نرگس پرفن |
| هر کجا دست بر زنی بر سر زلف | رود از خانه بوی مشک به برزن... |
| نرم گردد کجا دل تو بافغان | که به افغان نه نرم گردد آهن |

(همان: ۱۸۱)

بهار در ابیات زیر با بهره‌گیری از صنایع بلاغی چون تشبیه رخسار امام علی علیه‌السلام به مه و موی او به مشک و بار دیگر استفاده از استعاره نافع ازفر و ... شخصیت امام علی علیه‌السلام را وصف کرده‌است:

گر نظر در آینه یکره بر آن منظر کند
گر دگر بار این چنین بیرون شود آن دلربای
کس به رخسار مه از مشک سیه چنبر نکرد
کس قمر را همنشین با نافع ازفر ندید
گر گشاید یک‌گره از آن دو زلف عنبرین
آفرین‌ها بایند آن فرزند بر مادر کند
خود یقین می‌دان که اوضاع جهان دیگر کند
او به رخسار مه از مشک سیه چنبر کند
او قمر را همنشین با نافع ازفر کند
یک جهان آراسته از مشک و از عنبر کند
(همان: ۳۹)

شاعر در ابیات زیر شخصیت حضرت فاطمه سلام الله علیها را با صنایع بلاغی غنایی چون تشبیه موی به مشک، رخسار به مه، رخسار به گلنار، قد به سرو، زلف به دام، رخسار به گل نسرین، دندان به در، لب به لعل، چهره به باغ و ... توصیف کرده‌است:

ای زده زنار بر، ز مشک به رخسار
زلف نگون‌ساز کرده‌ای و ندانی
روی تو تابنده ماه بر زبر سرو
چشم تو ترکی و کشوریش مسخر
ریحان داری دمیده بر گل نسرین
آفت جانی از آن دو غمزه دل‌دوز
فتنه شدستم به لاله و سمن از آنک
لعل شکر بار داری و نه بدیع است
جز تو که بر مه ز مشک برزده زنار
کودل خلقی ز خویش کرده نگون‌سار
موی تو تابنده مشک از بر گلنار
زلف تو دامی و عالمیش گرفتار
مرجان داری نهاده بر در شهرار
فتنه شهرری از آن دو طره طرار
چهر تو باغی است لاله‌زار و سمن‌زار
گرچه نماید بدیع لعل شکر بار
(همان: ۱۳۶)

۲-۳. شاخص‌های صوری شعر آیینی بهار

ادب غنایی علاوه بر شاخص‌های محتوایی، از شاخص‌های صوری متفاوتی نسبت به ادبیات حماسی و تعلیمی بهره‌می‌برد. در این گونه ادبی، ما با کارکردهای متفاوتی از زبان رو به‌رو هستیم؛ «الفاظ چه از لحاظ آوایی و چه معنایی در پیوند با یکدیگر قرار دارند و آهنگ آن‌ها در القاء حس موردنظر شاعر نسبت به سایر اشعار نقش بیشتری دارد. جملات از لحاظ صرفی و نحوی نسبت به حماسه راوتر و به‌هنگارترند و زبان

به‌گونه‌ای است که می‌توان آن را با موسیقی و آواز قرین ساخت. کلمات، عناصر، ترکیبات، تعبیرات و تصاویر؛ نرم، لطیف و متناسب با فضای غنایی هستند.» (مشتاق‌مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۲۰۰) اکثر این شاخص‌ها در اشعار آیینی بهار بسامد بالایی دارند که در ادامه برخی از برجسته‌ترین‌ها با ذکر نمونه‌های تحلیل شده‌است.

۲-۳-۱. اوزان نرم و کشیده

شاعران در متون غنایی ادبیات فارسی، بیشتر از اوزان کشیده و نرم که متناسب با فضای غنایی شعر - بزم یا غم - است، استفاده کرده‌اند (مشتاق‌مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۹۹). بهار نیز در اشعار آیینی خود بیشتر از اوزان آرام و ملایم جو بیاری استفاده کرده‌است؛ هرچند از اوزان خیزابی، پرطنین و پرتحرک نیز غافل نبوده و گاهی به مناسبت مولودی‌ها و جشن‌ها، بهره برده‌است. به طور کلی در ۳۵ شعر آیینی موجود در دیوان بهار؛ ۱۳ مورد در اوزان بحر رمل، ۶ مورد در اوزان بحر مضارع، ۴ مورد در اوزان بحر هزج و ۵ مورد در اوزان بحر مجتث سروده شده که همگی از اوزان نرم و جو بیاری و مناسب برای بیان مضامین غنایی - بزم یا غم - هستند. به علاوه، شاعر در سرودن اشعار تند و ضربی به‌ویژه در تولد معصومین از اوزان بحر منسرح که وزنی خیزابی و تند دارد، استفاده کرده‌است. بهار در ۳ مورد نیز از اوزان بحر خفیف استفاده کرده که از اوزان مناسب برای بیان مضامین بزمی و حکمی است.

۲-۳-۲. تشبیهات نرم و لطیف غنایی

صنایع بلاغی و کارکرد آنها با تغییر نوع ادبی تغییر می‌کند؛ به‌گونه‌ای که هرچه از متون حماسی فاصله گرفته و به متون غنایی نزدیک شده، به همان میزان نیز تشبیهات لطیف‌تر و نرم‌تر خواهند شد؛ بنابراین شاعران حوزه ادبیات غنایی از تشبیهاتی استفاده می‌کنند که تأثیر بیشتری در لطافت کلام و عواطف و احساسات آنها داشته باشد. شعرهای آیینی بهار به عنوان بخشی از ادب غنایی فارسی، آکنده از تشبیهات لطیف و غنایی است، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت، تشبیهات، استعارات و تعبیرات غنایی مهم‌ترین شاخصه غنایی شعر این شاعر است. اکثر تشبیهات بهار از گونه حسی به حسی و بیش از ۷۰ درصد آنها از نوع تشبیه بلیغ هستند. برای نمونه، شاعر در بیت زیر، عرفان را به عقد و حضرت فاطمه سلام‌الله علیها را به واسطه عقد و ایمان را به پرگار و حضرت فاطمه سلام‌الله علیها را به نقطه پرگار تشبیه کرده‌است:

عرفان عقد است و اوست واسطه عقد

ایمان پرگار و اوست نقطه پرگار

(بهار، ۱۳۸۷: ۱۳۷)

- شاعر در بیت زیر نیز چهار تشبیه را پی در پی آورده، او عصمت را به چرخ و عفت به بحر و حضرت فاطمه سلام‌الله علیها به اختر و گوهر تشبیه کرده‌است که تشبیهاتی غنایی و حسی‌اند:

عصمت، چرخست و اوست اختر روشن
عفت، بحر است و اوست گوهر شهوار
(همان: ۱۳۷)

• تشبیه حضرت محمد صلوات الله علیها به خورشید پیامبران:

شمس رسل محمد مرسل که در ازل
از ماسوالله آمده ذات وی انتخاب
(همان: ۳۰)

• بهار در بیت زیر تشبیه تفضیل به کار برده او آفتاب را در مقابل نور پیامبر به کتان و ماهتاب تشبیه کرده است:

روئی که آفتاب فلک پیش نور او
باشد چنانکه کتان در پیش ماهتاب
(همان: ۳۰)

• آهوی چشمت اضافه تشبیهی:

آهوی چشمت ای شوخ، دل من بفریفت
مگر این دل نه دل مدحگر شیر خداست
(همان: ۹۷)

• دیهیم دین و خاتم داد اضافه تشبیهی:

آن کش اندر غدیر خم یزدان
داد دیهیم دین و خاتم داد
(همان: ۱۰۶)

• خاتم وفا، لعل راستی، قلزم صفا اضافه تشبیهی:

خاتم وفا را لعل، لعل راستی را کان
قلزم صفا را فلک، فلک صدق را سکان
(همان: ۱۰۸)

• گوهر تولا اضافه تشبیهی:

گفت بشنوید ای قوم قول حق تعالی را
هم به جان بیاویزید گوهر تولا را
(همان: ۱۰۸)

• خم لاهوت و خریطه تجرید اضافه تشبیهی:

اوست کز خم لاهوت نشاء صفا دارد
در خریطه تجرید گوهر وفا دارد
(همان: ۱۰۸)

• تشبیه گل سرخ به زوار بارگاه امام رضا علیه السلام:

کزین پس به دو سه هفته سرخ گل
رسد بارخ خوی کرده از سفر

رضای پاک سلیل پیامبر
(همان: ۱۲۰)

بسان رخ زوار شاه طوس

• تشبیه امام رضا علیه‌السلام به مه و خورشید:

چو مه پاک و چو خورشید مشتهر
(همان: ۱۲۰)

مه برج رسالت که صیت اوست

• برج امامت و درج کرامت اضافه تشبیهی:

وی گهر آبدار درج کرامت
(همان: ۱۵۶)

ای قمر تابناک برج امامت

• بازیگر شب اضافه تشبیهی:

آن خیمه سیاه معجد
(همان: ۲۶۸)

بازیگر شب آمد و افراخت

• باران فضل و دریای علم اضافه تشبیهی:

دریای علم اوست همه مد
(همان: ۳۷۰)

باران فضل اوست همه سیل

• تشبیه مسلمانان به گل خندان:

جانب حق روی کن به نیت صادق
(همان: ۴۷۹)

چون گل خندان پگاه روی فرو شوی

• تشبیه دشمنان امام صادق علیه‌السلام به توده کاه و خود امام به ذروه شاهر:

توده کاهی به پیش ذروه شاهر
(همان: ۴۸۰)

خصم بر قدرت امام چه باشد

۲-۳-۳. استعاره‌های لطیف و غنایی

استعارات یکی دیگر از صنایع بلاغی مهم در متون ادبی است که نوع و کارکرد آنها نه تنها سبک شخصی یک شاعر را تعیین می‌کنند که در برجستگی نوع ادبی نیز بسیار اهمیت دارند. ادب غنایی مهم‌ترین جلوه‌گاه، استعارات در ادبیات فارسی است و به تبع، این شاخصه در متون آیینی، بخش مهم ادبیات غنایی، بازتاب گسترده‌ای دارد، به ویژه در توصیف شخصیت معصومین، استعارات لطیف و غنایی بسامد بالایی دارند. بهار

نیز از این صنعت در اشعار آیینی خود بهره بسیاری برده است. او در توصیف معصومین از استعاراتی چون گل، خورشید، قمر، گوهر، نجم، سرو و ... که همگی استعاراتی لطیف و غنایی اند، استفاده کرده است، بیش از ۹۰ درصد این استعارات از نوع مصرحه و کمتر از ۱۰ درصد از نوع مکتبه اند. نمونه هایی از استعارات غنایی بهار:

• آفتاب استعاره از حضرت محمد صلوات الله علیها:

ای آفتاب گردون تاری شو و متاب
کز برج دین بتافت یکی روشن آفتاب
(بهار، ۱۳۸۷: ۳۰)

• شمس الشموس شاه ولایت استعاره از امام رضا علیه السلام:

شمس الشموس شاه ولایت که کرده اند
شمس و قمر ز خاک درش اکتسابها
(همان: ۳۳)

• گردون استعاره مکتبه تشخیص:

اکنون به شادی شب جشن ولادتش
گردون نهاده بر کف انجم خضابها
(همان: ۳۳)

• گنج استعاره از بارگاه امام رضا علیه السلام و گهر استعاره از خاک مقدس امام حسین علیه السلام:

زد رقم از پی تاریخ کنون کلک بهار
نایب التولیه آورده در این گنج، گهر
(همان: ۶۲)

• مه برج رسالت استعاره از امام رضا علیه السلام و تشبیه آن حضرت به مه و خورشید:

مه برج رسالت که صیت اوست
چو مه پاک و چو خورشید مشتهر
(همان: ۱۲۰)

• غزالان حرم استعاره از آل علی و گرگان استعاره از آل معاویه:

تاختی از وادی ایمن غزالان حرم را
پس اسیر پنجه گرگان آدمخواره کردی
(همان: ۱۲۹)

• نجم روشن و نخل پر بار استعاره از حضرت فاطمه سلام الله علیها:

بر فلک ایزدی است نجمی روشن
در چمن احمدیست نخلی پر بار
(همان: ۱۳۷)

• سرو بستان نبی و شمع شبستان علی استعاره از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرج الشریف:

سرو بستان نبی، شمع شبستان علی
محرم اندر حرم قرب شه لم یزلی

(همان: ۱۵۳)

● گل و شجر استعاره از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرج الشریف:
ایزد از روز ازل کاین گل پاکیزه سرشت
این برومند شجر، در چمن دهر بکشت

(همان: ۱۵۳)

● قمر و گهر استعاره از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرج الشریف:
ای قمر تابناک برج امامت
وی گهر آبدار درج کرامت

(همان: ۱۵۶)

● بیخ ظلم و بن ستم استعاره مکنیه:
ای ولی خدای، خیز وز گیتی
بیخ ظلم و بن ستم را برکن

(همان: ۱۸۲)

● گل استعاره تشخیص:
خیز که گل روی خود به ژاله فروشت
تا که نماز آورد به رب مشارق

(همان: ۴۷۹)

۲-۳-۴. کنایه‌های غنایی

نوع و گونه ادبی در انتخاب نوع کنایات شاعر نقش زیادی دارد؛ به گونه‌ای که شعر حماسی، کنایه مخصوص خود دارد و در شعر تعلیمی نوع دیگری از کنایات به کار می‌رود و شعر غنایی نیز معمولاً کنایات نرم و لطیف‌تری نسبت به دو گونه دیگر دارد. کنایات در اشعار آیینی بهار بسامد پایینی نسبت به دیگر صنایع بلاغی دارند. اینک نمونه‌هایی از کنایات بهار:

● ریزه‌خوار کنایه از بنده و غلام:
هر دو جهان ریزه‌خوار کف کرشم
آن که به فرمان واجب‌التعظیمش

(بهار: ۱۳۸۷، ۱۵۷)

● خاک در چشم چیزی اکتدن: کنایه از مرگ و نابودی:
به فلک بر فراز رایت نصرت
خاک در چشم دیو خیره بیاکن

(همان: ۱۸۲)

۲-۳-۵. القای عاطفه غنایی در واج‌آرایی با «الف» و «شین»

واج‌های «الف، ش» از واج‌های پربسامد متون غنایی است. واج «الف» القاکننده حسّ اندوه، آه و گاهی فریاد است و موسیقی شعر را در جهت معنا و مفهوم تقویت می‌کند. واج «ش» از واج‌های سایشی است و بیشتر بیان‌کننده احساس شور و شغف و شادی یا خشم و برآشفتن است. (پارساپور، ۱۳۸۳: ۲۶۴-۲۷۲) این ویژگی در شعر آیینی بهار بسامد بالایی ندارد، چنانکه تکرار واج «الف» بیشتر القاکننده حسّ غم و اندوه است. برای نمونه شاعر در بیت زیر، با آوردن واژگان با مصوّت بلند «آ»، مصائب امام حسین علیه‌السلام در صحرای کربلا را همراه با غم و اندوه نشان داده‌است:

تاختی از وادی ایمن غزالان حرم را
پس اسیر پنجه‌گرگان آدمخواره کردی
(بهار، ۱۳۸۷: ۱۲۹)

شاعر در بیت زیر نیز، حسّ غم و اندوه و کنیه‌توزی آسمان نسبت به اولاد پیامبر را با واج‌آرایی واج الف نشان داده‌است:

آسمانا جز به کین آل پیغمبر نگشتی
تا نکشتی آل زهرارا از این ره برنگشتی...
(همان: ۱۳۰)

واج‌آرایی واج «شین» نیز مانند واج «الف» در اشعار آیینی بهار بسامد بالایی ندارد و بیشتر القاکننده حسّ شادی و شغف است. برای نمونه شاعر در ابیات زیر، که در وصف ولادت امام زمان عجل‌الله تعالی فرج‌الشریف است، با واج‌آرایی واج «شین»، حسّ شادی و شغف را به مخاطب القا می‌کند:

شاه خوبان که به جز جانب درویش ندید
آنکه شد عاشق و معشوق به جز خویش ندید
روی او را ز صفا چشم بداندیش ندید
دیده‌عاشق از یک نظرش بیش ندید
(همان: ۱۵۳)

شاعر در ابیات زیر نیز، حسّ شادی و شغف را به مناسبت ولادت امام رضا علیه‌السلام با واج‌آرایی واج «شین» به مخاطب القا کرده‌است:

شمس‌الشموس شاه ولایت که کرده‌اند
شمس و قمر ز خاک درش اکتساب‌ها
کنون به شادی شب جشن ولادتش
گردون نهاده بر کف انجم خضاب‌ها
(همان: ۳۳)

۲-۳-۶. واژگان و تعبیرات غنایی

حجم بالای واژگان، ترکیبات و تعبیرات غنایی در اشعار آیینی یکی از لازمه‌های بیان حسّ غم و اندوه یا شادی و شعف است. این ویژگی هم در اشعار مدحی و ستایشی و هم در اشعار مولودی و شاد بهار برجسته است. برای نمونه، شاعر در ابیات زیر، واژه‌ها و تعبیرات غنایی زیبا و لطیفی چون مه، مشک، گلشن، زلف، سنبل، سوسن، نسرين، لاله، طره و ... را برای توصف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرج الشریف به کار گرفته است:

| | |
|----------------------------------|---------------------------------|
| جوشن پوشی ز مشک بر مه روشن | بر مه روشن همی که پوشد جوشن |
| نی نی روی تو گلشن است و دو زلفت | سنبل تازه است بر دو گوشه گلشن |
| سوسن داری شکفته بر سر نسرين | نسرین داری نهفته در بن سوسن |
| هر که بنگوش و طره تو بکاوید | لاله به خروار برد و مشک به خرمن |
| آنچه به من کرد طره تو، نکرده است | با جگر اشکبوس، تیر تهمت |
| تا که شود فتنه دو چشمت افزون | زلف تو هر دم زند بر آتش دامن |

(بهار، ۱۳۸۷: ۱۵۱ و ۱۵۲)

شاعر در ابیات زیر نیز برای وصف زیبایی امام حسین علیه السلام واژه‌ها و ترکیبات غنایی لطیفی چون دلبر، سرو جوانه‌قد، سرو روان، عشق، باغ، گل سوری، رخ زیبا، قد موزون، خال رضوان، لب کوثر و ... استفاده کرده است:

| | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| دلبر من نه دراز است و نه کوتاه، بلی | نظرم بی سببی نیست که بر منظر اوست |
| هست چون سرو جوانه قد آن سرو روان | که به عشق اند، پیری و ملامت بر اوست |
| چون به باغ یم و بینم گل سوری با سرو | در دلم حسرت بالا و رخ دلبر اوست |
| راست گویی گل سوری بپر سرو بلند | که حسین است و به پیشش علی اصغر اوست |
| پسر فاطمه سر خیل جوانان بهشت | که بهشت آیتی از تازه رخ انور اوست |
| رخ زیباش بهشت است و قد موزونش | طوبی و، خال رضوان و لبش کوثر اوست |

(همان: ۱۶۱)

بهار در تغزل ستایش امام مهدی عجل الله فرج الشریف، معشوق را با واژه‌ها و تعبیرات غنایی لطیفی چون لالستان، دل و جان، غمزه و ابرو، باغ، نرگس، لب لعل، زلف، سرو روان، لاله و نسرين، زلف و خط، سنبل و ریحان، ماه و ... توصیف کرده است:

| | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| گه فریضة شام آن چراغ ترکستان | کنا من ز رخ خویش کرد لالستان |
| پی شکار دل و جان به غمزه و ابرو | گهی گشاده کمین و گهی گشوده کمان |

به باغ، نرگس در چشم مست و حیران
چنان دورشته لولو به حقهٔ مرجان
به قد بر شده، سروروی و لیک سرو روان
کمرش چیست یقین و میانش چیست گمان
دو لعل روح‌فزایش به خنده راحت جان
ز زلف و خطش بی‌تاب، سنبل و ریحان
که ماه در شب میلاد حجه یزدان
(همان: ۱۹۵)

شاعر در ابیات زیر که در وصف تولد امام رضا علیه‌السلام است واژگان و تعبیرات غنایی لطیف و احساسی چون صنم دلفریب، زلف سیه، ساقی، سرو سیمتن، ساغر زرین، آواز چنگ، بانگ رباب، جشن و طرب، شادی و نشاط و ... به‌کار برده‌است:

افکنده در دو زلف سیه پیچ و تاب‌ها
وانباشته به ساغر زرین شراب‌ها
بر چرخ زهره خاسته بانگ رباب‌ها
وز کف برون شده‌است طرب را حساب‌ها
وز شادی و نشاط گشادند باب‌ها
(همان: ۳۲)

به چرخ، برجیس از ماه روی او خیره
به زیر لعل لب اندر دورشته دندانش
به زلف خم‌شده، دامی و لیک دام بلا
سخنش چیست عیان و دهانش چیست خبر
دو چشم سحرنمایش به غمزه غارت دل
ز آب و تابش بی‌آب، لاله و نسرین
ز تیره زلفش، روشن رخس چنان تابید
مجلس بساز با صنمی نغز و دلفریب
ساقی به پای خاسته چون سرو سیمتن
در گوش مشتری شده آواز چنگ‌ها
فصلی خوش و شبی خوش و جشنی مبارکست
بستند باب انده و تیمار و رنج و غم

۲-۳-۷. رویکرد غنایی با جملات پرسشی، اظهاری و تعجیبی

معمولاً در ادبیات غنایی تعداد سوالات زیاد است؛ سوالاتی که در خود نیازی به جواب نمی‌بینند، به‌ویژه جوابی که از طرف شخص مقابل باشد. (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۲۱) این شاخص در اشعار آیینی بهار بسامد پایینی دارد و در نمونه‌های یافت‌شده، شاعر جملات پرسشی را با اغراض بلاغی به‌کار برده‌است. برای نمونه شاعر در بیت زیر، با اظهار شگفتی و تعجب از بی‌خبری پیامبر نسبت به توپ بستن بارگاه امام رضا علیه‌السلام پرسش کرده‌ست:

عرضه کن بر وی، کز حالت فرزند غریب
وان مصیبت‌ها، آیا بودت هیچ خبر؟
(بهار، ۱۳۸۷: ۱۸۶)

محتوای شعر در گزینش نوع جملات بسیار تأثیرگذار است، به گونه‌ای که «شعر غنایی با جمله‌های اظهاری و تعجبی، شعر حماسی با جمله‌های خبری و شعر تعلیمی و حکمی با جمله‌های امری و ندایی وابستگی دارد» (مشتاق‌مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۹۴)؛ بهار از جملات تعجبی با اغراض بلاغی بیش از جملات پرسشی استفاده کرده‌است. برای نمونه در بیت زیر، از ملّتی که ادعایی تمدّن دارند و با وحشی‌گری مسجد گوهرشاد را به توپ بستند، اظهار تعجب و شگفتی کرده‌است:

بنگر باز که این خیره تمدن خواهان
کرده آن کار که وحشی نماید باور!

(بهار، ۱۳۸۷: ۱۸۶)

شاعر در بیت زیر از شعر «توپ روس»، بار دیگر از جملات تعجبی را با اغراض بلاغی پرسش

به کار گرفته‌است:

بیدار گشت فتنه، چراخ نهفته‌ای
بیدار گشت قیامت کبری، چه خفته‌ای!

(همان: ۱۸۹)

نتیجه‌گیری

غلبه عاطفه و احساس همراه با توصیفات غنایی مهم‌ترین شاخص‌های شعر آیینی ملک‌الشعرا بهار است که عمیق‌ترین و لطیف‌ترین احساسات مخاطب را برمی‌انگیزد. اکثر شاخص‌های محتوایی و صوری ادب غنایی در شعر آیینی بهار بسامد دارند، چنانکه در بُعد محتوایی، شاعر نسبت به شرایطی که برای معصومین رقم خورده، نگاهی منفی نسبت به روزگار و آسمان دارد و از آن شکوه و شکایت می‌کند. مناجات و مرثیه‌سرایی از مضامین دیگر شعر بهار است که شاعر در ضمن ستایش پروردگار، از ناتوانی و بندگی خود می‌گوید و در مرثیه‌ها از مصائب ائمه اطهار به‌ویژه امام حسین (ع) امام رضا علیه‌السلام سخن گفته‌است. جشن‌های مذهبی و ولادت معصومین از مضامین پر بسامد شعر اوست و اشعار و مولودی‌های شاد و طرب‌انگیز بدین مناسبت‌ها سروده‌است و بی‌گمان مهم‌ترین شاخص غنایی شعر بهار وصف است که به صورت وصف طبیعت، وصف معشوق و وصف ویژگی‌های ظاهری و باطنی شخصیت معصومین (ع) آمده‌است.

شعر آیینی بهار شاخصه‌های برجسته‌ای در بُعد صوری دارد که مهم‌ترین آن‌ها بسامد بالای استعاره‌ها و تشبیه‌های لطیف و غنایی است، چنانکه انواع گل، غنچه، بهار و ... که واژگانی غنایی و لطیف هستند، برای معصومین، مستعارمنه شده و در بخش تشبیه نیز همین قاعده حاکم است؛ شاعر تشبیهات بلیغ، مفصل و تفضیلی زیبایی با بهره‌گیری از واژه‌ها و تعبیرهای غنایی ساخته‌ست؛ بدین ترتیب، شعر آیینی بهار از واژه‌ها و تعبیراتی با معنا و مفهوم غنایی آکنده است، اما کنایه‌ها اگر چه لطیف و نرم هستند، نسبت به استعاره

و تشبیه بسامد پایینی دارند. شاعر برای بیان منقبت‌های خود از اوزان سنگین و آرامی چون بحر رمل، هزج، مضارع و ... استفاده کرده و برای القای حس غنایی با واج‌های «الف» و «ش» واج‌آرایی کرده‌است. هم‌چنین جمله‌های پرسشی، اظهاری و تعجبی با اغراض بلاغی و تولید معنا شاخص دیگری است که در اشعار آیینی بهار نمود دارند.

منابع

- اکبری، منوچهر و سید مهدی زرقانی، (۱۳۸۰)، «جایگاه و نقش دین در اندیشه شعری ملک‌الشعرا بهار»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۴۰.
- اکرمی، میرجلیل، محمد خاکپور، (۱۳۹۰)، «نقد و بررسی شعر نو آیینی پیش از انقلاب اسلامی»، گوهر گویا، سال ۵، شماره ۳، صص ۳۳-۵۶.
- بهار، ملک‌الشعرا، (۱۳۸۷)، دیوان اشعار ملک‌الشعرا بهار، تهران: نگاه.
- پارساپور، زهرا، (۱۳۸۳)، مقایسه زبان حماسی و غنایی، تهران: دانشگاه تهران.
- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۶)، «انواع ادبی در شعر فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم، سال اول، شماره ۳، صص ۷-۲۲.
- حسینی کازرونی، سیداحمد، (۱۳۹۰)، «سخنی پیرامون ادبیات تعلیمی و غنایی، تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی»، شماره ۸، صص ۱۵-۲۴.
- رزمجو، حسین، (۱۳۷۰)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رشیدی‌گمین، کریم و همکاران، (۱۳۹۹)، «ادب غنایی در اشعار شیخ کاظم سعیدی»، مطالعات زبان و ادبیات غنایی، سال ۱۰، شماره ۳۶، صص ۳۱-۴۲.
- رفیعی، یدالله و رمضان رضایی، (۱۳۹۲)، «اندیشه دینی در اشعار ملک‌الشعرا بهار و احمد صافی النجفی»، نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۲۵، صص ۴۱-۷۱.
- روح‌الامینی، محمود، (۱۳۷۸)، آیین‌ها و جشن‌های کهن ایران امروز (نگرش و پژوهش مردم‌شناختی)، تهران: انتشارات آگاه.
- سنگری، محمدرضا، (۱۳۹۵)، از نتایج سحر، تهران: سوره مهر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۵۲)، «انواع ادبی و شعر فارسی»، خرد و کوشش، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۹۶-۱۱۹.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۲)، تازیان‌های سلوک، تهران: آگه.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۹)، انواع ادبی، تهران: میترا.

- طاهری ماه‌زمینی، نجمه؛ بصیری، محمدصادق و محمدرضا صرفی، (۱۳۹۶)، «بررسی مضامین اشعار در شعر بعد از انقلاب اسلامی»، نشریه ادبیات پایداری، شماره ۱۷، صص ۱۷۹-۲۰۰.
- ظفری، ولی‌الله، (۱۳۸۰)، حبسیه در ادب فارسی، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
- عباسی، جعفر و همکاران، (۱۳۹۹)، «نمود ایدئولوژی در لایه‌های بلاغی و زبانی شعر آیینی معاصر در سه دهه اخیر»، فنون ادبی، سال ۱۲، شماره ۴، صص ۱۵۳-۱۷۴.
- فرشیدورد، خسرو، (۱۳۶۳)، درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران: امیرکبیر.
- قلعه‌قبادی، داریوش؛ شمیسا، سیروس و عبدالرضا مدرس‌زاده، (۱۳۹۸)، «بررسی و مقایسه مرثیه سه نسل از شاعران معاصر»، بهار ادب، شماره ۴۴، صص ۱۵۱-۱۷۰.
- محسنی، مرتضی، (۱۳۹۱)، «بازتاب زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی آیات و احادیث در شعر بهار»، مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۱، صص ۱۵۷-۱۷۳.
- مشتاق‌مهر، رحمان، سردار بافکر، (۱۳۹۵)، «شاخص‌های محتوایی و صورتی ادبیات غنایی»، پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۲۶، صص ۱۸۳-۲۰۲.
- مؤمن، زین‌العابدین، (۱۳۹۴)، شعر و ادب فارسی، تهران: زرین.
- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، جویبار لحظه‌ها، تهران: جامی.

references

۱. Abbasi, J. et al., ۲۰۱۹. "Ideological manifestation in the rhetorical and linguistic layers of contemporary ritual poetry in the last three decades", Fanon Adabi, year ۱۲, number ۴, pp. ۱۵۳-۱۷۴.
۲. Akbari, M. and Zarkani, Seyyed M. ۲۰۰۸. "The place and role of religion in the poetic thought of Malik al-Shaarai Bahar", Tehran University School of Literature and Humanities Journal, No. ۱, pp. ۱۲۵-۱۴۰.
۳. Akrami, M. Khakpour, M. ۲۰۱۱. "Criticism and analysis of neo-religious poetry before the Islamic Revolution", Gohar Goya, year ۵, number ۳, pp. ۵۶-۳۳.
۴. Bahar, Malek al-Sh., ۲۰۰۸. Diwan of Poems of Malek al-Shaara Bahar, Tehran: Negah.
۵. Farshidvard, Kh. ۱۹۸۴. about literature and literary criticism, Tehran: Amirkabir.

۶. Hosseini Kazrouni, Sayed A. ۲۰۱۳. "A speech about didactic and lyrical literature, allegorical research in Persian language and literature", No. ۸, pp. ۱۵-۲۴.
۷. Mohseni, M. ۲۰۱۲. "Aesthetic and sociological reflection of verses and hadiths in Bahar poetry", Literary Studies of Islamic Texts, No. ۱, pp. ۱۵۷-۱۷۳.
۸. Motaman, Zain El A. ۲۰۱۴. Persian poetry and literature, Tehran: Zarin.
۹. Mushtaqmehr, R. Bafker, S. ۲۰۱۵. "Content and Form Indicators of Lyrical Literature", Research Journal of Lyrical Literature, No. ۲۶, pp. ۲۰۲-۱۸۳.
۱۰. Parsapour, Z. ۲۰۰۴. Comparison of epic and lyrical language, Tehran: University of Tehran.
۱۱. Pournamdarian, T. ۲۰۰۶. "Literary Genres in Persian Poetry", Qom University School of Literature and Humanities Magazine, first year, number ۳, pp. ۲۲-۷.
۱۲. Qalaqabadi, D; Shamisa, S. and Modareszadeh, A. ۲۰۱۸. "Review and comparison of the elegies of three generations of contemporary poets", Bahar Adab, No. ۴۴, pp. ۱۵۱-۱۷۰.
۱۳. Rafiei, Y. and Rezaei, R. ۲۰۱۲. "Religious Thought in the Poems of Malek Al-Shaara Bahar and Ahmed Safi Al-Najafi", Journal of Comparative Literature Studies, No. ۲۵, pp. ۷۱-۴۱.
۱۴. Rashidigomin, K. et al., ۲۰۱۹. "Lyric literature in Sheikh Kazem Saeedi's poems", Studies in Lyrical Language and Literature, Year ۱۰, Number ۳۶, pp. ۳۱-۴۲.
۱۵. Razmjo, H. ۱۹۹۱. Literary types and their works in Persian language, Tehran: Astan Quds Razavi Publications.
۱۶. Rohol Amini, M. ۱۹۹۹. Ancient Rituals and Celebrations of Iran Today (Attitude and Anthropological Research), Tehran: Agah Publishing.
۱۷. Sangri, M. ۲۰۱۵. from the results of Sahar, Tehran: Sure Mehr.
۱۸. Shafiei Kadkani, M. ۱۹۹۳. Tazianehaye Seluk, Tehran: Age.
۱۹. Shafi'i Kadkani, M. ۱۹۷۳. "Literary genres and Persian poetry", Kherad wa koshsh, No. ۱۱ and ۱۲, pp. ۱۱۹-۹۶.
۲۰. Shamisa, S. ۲۰۱۰. literary types, Tehran: Mitra.

۲۱. Taheri Mahzamini, N; Basiri, M. and Sarfi, M. ۲۰۱۶. "Examining the Themes of Poems in Poetry After the Islamic Revolution", *Journal of Sustainable Literature*, No. ۱۷, pp. ۱۷۹-۲۰۰.
۲۲. Yahaghi, M. ۲۰۰۹. *Joybare lahzeha*, Tehran: Jami.
۲۳. Zafari, W. ۲۰۰۱. *Abyssinia in Persian Literature*, Volume II, Tehran: Amir Kabir.

**Examining the Indicators of Lyrical Literature in the Ritual Poems
of Malek Osh-Shoarai Bahar
Shabnam Karim Shahi Malairi**

PhD student of Persian language and literature, Hamedan Branch, Islamic
Azad University, Hamedan, Iran

(Reza Sadeghi Shahpar (author in charge

Associate Professor of Persian Language and Literature, Hamedan Branch,
.Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Hojjat Allah Gha Muniri

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Borujard
Branch, Islamic Azad University, Borujard, Iran

Abstract

Predominance of the poet's emotions has made Ritual poetry one of the most significant types of lyrical literature; accordingly, most of the form and content indicators of lyrical literature are used in its substance. This research aims to investigate and explain the reflection of the features of lyrical literature in the ritual poems of Persian Constitutional era - a case study of the ritual poems of Malek Osh-Shoarai Bahar. Bahar, one of the most prominent poets of the Constitutional period and the poet laureate of Astan Quds Razavi, had a long career in composing religious poems, especially in lamentation of the Prophet and the infallible Imams. He portrayed the true face of the Holy figures, peace be upon them, with an imagination full of emotion and feeling, and described them in the mirror of poetry via a lyrical language. The current research is conducted with a descriptive analytical approach using library research method, and seeks to examine the quantity and quality of the features of lyrical literature in the ritual poetry of Malek Osh-Shoarai

Bahar in order to show their frequency and prominence. The result of the research shows that the content indicators such as description, pessimistic view of the times, reference to religious holidays and the birth of the Holy figures, etc. in Bahar's poetry originate from the poet's emotion (sorrow and happiness), and have been shown in the rhetorical structure (formal indicators) through simile and metaphor, as well as in the lyrical language of the poems through alliteration and lyrical music.

Key Words: Lyrical Literature, Form and Content Indicators, Ritual Poetry, Bahar.